

بسم الله الرحمن الرحيم

علت انتخاب گزینه های مورد نظر

پاسخنامه آزمون نحو عربی 3 تیر 88

1. در کدام گزینه، حرف جرّ، متعلق ندارد؟

(الف) لَمْ يَكْتُبْ عَلَى رِسَالَةٍ إِلَى أَحْمَدَ

(ب) صَلَّيْتُ فِي الْمَسْجِدِ

(ج) ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ

(د) مَا جَاءَ مِنْ أَحَدٍ

هر گاه متعلق جار و مجرور از ریشه افعال عموم باشد در جمله ذکر نمی شود مانند کان حصل ثبت و...

2. در کدام گزینه، اضافه لفظی به کار رفته است؟

(الف) هَذِهِ كُتُبِي

(ب) هَذَا مَا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ

(ج) أَنْتَ الْمُتَمَيِّعُ الْحَقُّ

(د) تَوَرَّتْنَا إِسْلَامِيَّةً

اضافه لفظی جنبه شکلی دارد و حقیقی نیست از این رو مضاف از مضاف الیه معرفه یا نکره کسب تعریف یا تخصیص نمی کند. هدف از آن تخفیف است مضاف در اصل جنبه وصفی دارد و از مشتقات است بقیه گزینه ها اضافه معنوی یا واقع است، و جنبه ملکیت دارد. مانند کتاب من .

3. کدام گزینه در مورد ترکیب «مُهْلِكُوهَا» در آیه مبارک: (وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْغِيَامَةِ ...) (اسراء/58) صحیح است؟

(ب) ترکیب اضافه صفت به موصوف

(ج) ترکیب اضافه معنوی

(د) ترکیب وصفی _ اضافی

اضافه لفظی جنبه شکلی دارد و حقیقی نیست از این رو مضاف از مضاف الیه معرفه یا نکره کسب تعریف یا تخصیص نمی کند. هدف از آن تخفیف است مضاف در اصل جنبه وصفی دارد و از مشتقات است مانند مهلكوها.

4. نقش نحوی واژه «ذی» در آیه مبارک: (إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ) (تکویر/19-20) به ترتیب کدام است؟

(الف) مضاف الیه - صفت

(ب) صفت - مضاف الیه

(ج) مضاف الیه - مضاف الیه

(د) صفت - صفت

یکی از اسمهای جامدی که می تواند به اسم مشتق تاویل شود و در نتیجه صفت به شمار آید واژه " ذو" یا مونث آن " ذات" است که از اسماء خمسّه و به معنای صاحب و دارنده است .

5. موصوف واژه های «الدولی» و «الکبیر» در جمله: «أَقِيمَ الْمَعْرَاضُ الدُّوْلِيُّ فِي مُصَلَّى طَهْرَانَ الْكَبِيرِ» به ترتیب کدام است؟

(الف) الْمَعْرَاض - طهران

(ب) طهران - طهران

(ج) الْمَعْرَاض - مُصَلَّى

(د) طهران - مُصَلَّى

در ترکیب وصفی - اضافی مصلاى بزرگ تهران در برگردان عربی آن رعایت ترتیب کلمات آن مشابه آنچه در زبان فارسی متداول است ممکن نیست یعنی باید نخست مضاف را کهدر عین حال موصوف نیز هست آورد و بلافاصله پس از آن مضاف الیه و آن گاه صفت مضاف را ذکر کرد و گفت مصلى طهران الكبير.

موصوف و صفت در معرفه و نکرهمثل هم هستند. المعرض الدولی

6. در کدام گزینه، مضاف الیه به صورت جمله به کار رفته است؟

(الف) (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ) (نمل/62)

(ب) (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (حمد/2)

(ج) (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (علق/1)

(د) (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (قدر/1)

اذا از اسمهای دائم الاضافه به جمله است.

7. کدام گزینه، اسم دائم الاضافه به مفرد است؟

(الف) لَمَّا نُمُوْهُ سَوَالَاتٍ دَرَسِي (ب) حَيْثُ

(ج) لَدَى

(د) إِذْ

لدى دائم الاضافة به مفرد و حيث لما و /ذ دائم الاضافة به جمله هستند.

8. در کدام گزینه، مضاف الیه حذف شده است؟

(الف) أُحْثُوا التُّرَابَ فِي وَجْهِهِ الْمَدَّاحِينَ

(ب) لَا يَكْذِبُ الْمَرْءُ إِلَّا مِنْ مَهَاتَةٍ نَفْسِيهِ

(ج) سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ

(د) زِيَارَةُ الْمَرِيضِ بَعْدَ ثَلَاثَ

در حذف مضاف الیه با یکی از دو پدیده روبه رو می شویم: یکی ظهر ضمه بنایی در مضاف پس از حذف مضاف الیه در همه حالات اعرابی و دیگر افزوده شدن **تنوین به آن پس از حذف مضاف الیه**.

9. مضاف در کدام گزینه، معرفه نیست؟

(الف) خَاتَمُ رَجُلٍ

(ب) خَادِمٌ عَلِيٌّ

(ج) كِتَابُ الْمُعَلِّمِ

(د) طَعَامُ الْمِسْكِينِ

در همه گزینه های بجز گزینه الف مضاف به وسیله مضاف الیه معرفه معرفه شده است. و گزینه الف مستثنی است.

10. مضاف در کدام گزینه، نکره است؟

(الف) هُوَ أَخِي الْكَبِيرِ

(ب) جَاءَ أَحْمَدُ الْحَسَنُ الْخُلُقِ

(ج) هَذِهِ مَدِينَتُنَا الْجَمِيلَةُ

(د) كَانَ طَهَ حُسَيْنٍ كَاتِبًا مَكْفُوفَ الْبَصَرِ (نابینا)

مضاف در اضافه لفظی نکره است و تنها به خاطر تنوین نداشتنی مضاف یا اضافه شدن آن به مضاف الیه معرف نمی توان آن را معرف قلمداد کرد بلکه با وجود آنکه تنوین ندارد و در حالت اضافه قرار گرفته است همچنان نکره به شمار می رود. **اگر بتواند صفت برای موصوف معرفه قلمداد شود می تواند الف و لام بپذیرد تا از این طریق معرف شود، مانند سه گزینه الف و ب و ج**

11. کدام گزینه فقط در مقام حرف جرّ اصلی به کار رفته است؟

(د) رَبِّ

(ج) مِنْ

(ب) يَ

(الف) وَ

رب هرگز در مقام حرف جر اصلی به کار نمی رود. و حروف ب و من می تواند هم اصلی و زائد باشند. و گزینه الف فقط حرف جر اصلی است.

12. در کدام گزینه حرف جرّ زائد به کار رفته است؟

(الف) (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ) (قدر/3)

(ب) (قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنْتُمْ قَاعِلِينَ) (یوسف/91)

(ج) (مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) (ق/18)

(د) (إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْيُنِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ) (یس/8)

حرف جر من گاه در مقام حرف جر زائد است . این حرف هنگامی زائد است که اولاً مسبوق به نفی ، نهی ، یا استفهام باشد و ثانياً مجرور آن نکره باشد

13. در کدام گزینه، متعلق حرف جر از افعال عموم است؟

الف) (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (سبأ/1)

ب) (لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) (یس/7)

ج) (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (قدر/1)

د) (وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا) (مزمّل/5)

گزینه الف، هنگامی که جار و مجرور در جمله صله به کار رفته باشد و متعلق آن از افعال خصوص نباشد وجوباً **طرف مستقر** (افعال عموم) است.

14. حرف جر «ب» در کدام گزینه، زائد است؟

الف) (سَأَنبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا) (کهف/78)

ب) (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (علق/1)

ج) (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (ملک/1)

د) (أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا) (مریم/38)

در اسلوب **افعل ب** .. حرف جر ب زائد است.

15. در کدام گزینه، لام تقویت به کار رفته است؟

الف) (مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى) (طه/2)

ب) (لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ) (اعراف/154)

ج) (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ) (انبیاء/90)

د) (إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ) (فاطر/34)

لام جاره اغلب هنگامی زائد تلقی می شود که با نام " لام تقویت " خوانده شود. گاه فعل متعدی واژه ای را در مقام مفعول به منصوب می کند گاه " شبه فعل این کار انجام میدهد در این هنگام در مواردی که مفعول به را به همراه لام جاره به کار می برند لام تقویت خوانده می شود. مانند گزینه ب. لام تقویت بر مفعول به مقدم (رب) وارد شده و آن را ظاهراً مجرور کرده است اما این واژه بنا بر اینکه مفعول به فعل متعدی یرهبون است محلاً منصوب به شمار می رود.

16. حرف جر «ب» در آیه مبارک: (اهْطِطْ يَسْلَامٌ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ) (هود/48) در کدام معنا به کار رفته است؟

الف) مصاحبت

ب) استعانت

ج) سببیت

د) تعدیه

به معنای مصاحبت به کار رفته است بنابراین معنای آیه : ای نوح ، **همراه** با سلام و رحمت الهی فرود آی.

17. حرف جرّ «بِ» در آیه مبارک : (وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ) (مطففین/30) در کدام معنا به کار رفته است؟

الف) ظرفیت

ب) استعلاء

ج) الصاق

د) مقابله

الصاق مجازی ، و چون به آنها بگذرند به چشم طعن و استهزاء بنگرند. الصاق به معنای تماس و برخورد با شی یا فرد دیگر است الصاق هم می تواند حقیقی هم مجازی باشد

18. کدام گزینه، حرف قسم نیست؟

الف) کَ

ب) وَ

ج) تَ

د) بِ

بجز گزینه الف بقیه گزینه ها به معنای قسم بکار می روند.

19. کدام گزینه در مقام حرف جرّ ابتدائیت زمانی به کار نرفته است؟

الف) مَدْ

ب) مِنْذُ

ج) لِ

د) مِنْ

لام جاره در اصل به معنای مالکیت یا اختصاص است ، و به معنای تعلیل و ظرفیت تبلیغ و اعلام بکار میرود ، ولی به معنای ابتدائیت زمانی بکار نمی رود.

20. حرف جرّ «لِ» در آیه مبارک : (وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ) (انبیاء/47) در کدام معنا به کار رفته است؟

الف) ظرفیت

ب) اختصاص

ج) تبلیغ و اعلام

د) تعلیل

به معنای ظرفیت "فی" به کار رفته است. در روز قیامت ترازوهای قسط را بر پا می داریم.

21. در کدام گزینه، حرف جرّ «مِنْ» برای بیان مفهوم جنس به کار رفته است؟

الف) (لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ) (توبه/108)

(ب) (وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى) (یس/20)

(ج) (فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ) (حج/30)

(د) (مِنْهُمْ مَّنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ) (غافر/78)

یکی دیگر از معانی حرف جر من دلالت بر مفهوم جنس واژه ای است که پیش از آن آمده است اوثان جنس رجس را مشخص کرده است.

22. حرف جرّ «علی» در آیه مبارک : (وَيَا قَوْمُ لَا سَأَلَكُمْ عَلَيْهِ مَالًا) (هود/29) در کدام معنا به کار رفته است؟

الف) تعلیل

ب) استعلاء

ج) مصاحبت

د) ظرفیت

در این آیه حرف علی به معنای بیان علت است (به علت مالی)

23. معنای اصلی حرف جرّ «عَنْ» چیست؟

الف) عَوَض

ب) مجاوزة

ج) إستعلاء

د) تعلیل

در اصل به معنای مجاوزه است که در لغت به معنای " از حد در گذشتن و از چیزی یا جایی عبور کردن است مجاوزه همی می تواند حقیقی و هم مجازی باشد. حقیقی مانند از این شهر سفر کردم. مجازی مانند از مسافرت بیزار شدم.

24. در کدام گزینه، نعت سببی به کار رفته است؟

الف) هَلْ ذَاهِبٌ هُوَ إِلَى بَيْتِ عَمِّهِ

ب) هَذَا الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ شَجَرَةٌ

ج) هَذِهِ بِنْتُ عَالِمٍ أَبُوهَا

د) مَا ذَهَبَ الطَّالِبُ الذَّكِيُّ إِلَى الصَّفِّ

نعت سببی : نعت سبب همواره برای اسم پس از خود که موصوف معنایی آن به شمار می آید " عامل " است . نعت سبب همیشه مفرد است (مثنی و جمع نیست) نعت سبب همیشه مفرد است یعنی جمله و شبه جمله نیست . اگر فاعل یا نایب فاعل پس از " عامل " بیان شوند " عامل " همواره مفرد است بر همین اساس تاکید می کنیم که **نعت سبب همیشه مفرد است** چه فاعل و نایب فاعل مفرد باشد یا مثنی و جمع. **با این تفاوت** که اگر معمول مذكر باشد عامل نیز مذكر می آید و اگر معمول مونث باشد عامل نیز بر طبق قاعده مونث است مانند جاء الرجل العالم ابوه . مفرد و مذكر بودن نعت سببی العالم به دلیل معمول آن 10ابو است در جمله جاء الرجل العالمه امه مونث بودن **نعت سببی العالمه به دلیل ام** است.

25. نقش نحوی واژه «الکریم» در عبارت : «الرَّجُلُ الْكَرِيمُ أَبَوَاهُ يُقْتَدَى بِهِمَا غَالِبًا» چیست؟

الف) نعت سببی

ب) نعت حقیقی

ج) فاعل

د) خبر

توضیح در گزینه بالا.

26. کدام واژه، قابلیت صفت یا موصوف واقع شدن را ندارد؟

الف) الَّذِي

ب) هَذَا

ج) هُوَ

د) الَّتِي

اسمهایی که نه موصوف نه صفت واقع می شوند؛ ضمائر - اسمهای اشاره مکانی - اسمهای شرط - استفهام و موصولات مشترک.

27. در کدام گزینه، نعت شبه جمله به کار رفته است؟

الف) (رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً) (بینه/2)

ب) (هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ) (قصص/12)

ج) (وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ) (بقره/281)

د) (قَالَتْ رَسُولُهُمْ أَفَى اللَّهِ شَكُّ قَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (ابراهیم/10)

گاه در زبان عربی نعت به شکل شبه جمله (جار و مجرور یا ظرف) ظاهر می شود و آن هنگامی است که جار و مجرور و یا طرف پس از اسم نکره قرار گیرند و یکی از حالتها و ویژگیهای آن را بیان کنند. مانند گزینه الف.

28. نقش نحوی واژه «ذات» در جمله : «جَاءَتْ مَرَأَةٌ ذَاتُ مَالٍ غَزِيرٍ» چیست؟

الف) خبر مقدم

ب) مبتدای مؤخر

ج) صفت مؤول به مشتق

د) صفت سببی

یکی از اسمهای جامدی که می تواند به اسم مشتق تاویل شود و در نتیجه صفت به شمار آید واژه " ذو" یا مونث آن " ذات" است که از اسماء خمسہ و به معنای صاحب و دارنده است .

الف) صفت برای «الفصل»

ب) صفت برای «یوم»

ج) مضافٌ إليه

د) خبر

اسمهایی که موصوف واقع نمی شوند ولی کاربرد آنها در جایگاه **صفت بی اشکال** است مانند **موصولات خاص** که همراه با الفو لام به کار رفته اند: الذی ، التی

30. نقش نحوی واژه «عامّة» در جمله «أُكْرِمْتُ الْفُقَرَاءَ عَامَّتَهُمْ» چیست؟

الف) تأکید معنوی

ب) تأکید لفظی

ج) نعت سببی

د) نعت حقیقی

تاکید معنوی نوعی تکرار واژه یا مفهوم به وسیله واژه ای ویژه است که مهم ترین آنها عبارت اند از : نفس – عین – کل – جمیع – عامّة – اجمع – کلا و کلتا.

31. نقش نحوی واژه «کِلَا» در جمله «كِلَاهُمَا مُعَلِّمٌ فِي مَدْرَسَيْنَا» چیست؟

الف) بدل اشتمال

ب) خبر مقدّم

ج) تأکید معنوی

د) مبتدا

مبتدا است در ابتدای جمله اسمیه قرار گرفته و تأکید محسوب نمی شود. اگر تأکید معنوی باشد بعد قرار گرفتن موکد در جمله می آید. **مانند جاء احمد و سعيد كلاهما**

32. نقش نحوی واژه «مَنْ» در آیه مبارک : (وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا) (آل عمران/97) چیست؟

الف) تأکید

ب) بدل

ج) نعت

د) عطف بیان

بدل جز از کل است زیرا مفهوم آیه این نیست که حج خانه خدا بر همه مردم واجب است بلکه مراد این است که حج تنها بر کسانی که استطاعت مالی دارند واجب است

33. نقش نحوی واژه «النَّار» در آیه مبارک : (فَتِلْ أَصْحَابُ الْأُخْدُوْدِ النَّارِ ذَاتِ الْوُفُوْدِ) (بروج/4-5) چیست؟



الف) بدل مطابق

ب) بدل اشتمال

ج) بدل مبین

د) بدل جزء از کل

بدل اشتمال بر خلاف بدل مطابق و بدل جز از کل تابعی است که تمام یا جزئی از مبدل منه به شمار نمی رود بلکه تنها بیانگر یکی از خصوصیات و متعلقات آن است که مبدل منه بر آن اشتمال دارند. مانند النار.

34. نقش نحوی واژه «الْوَعْد» در آیه مبارک: (وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (یونس/48) چیست؟

الف) عطف بیان

ب) تأکید

ج) مبتدای مؤخر

د) بدل کل از کل

عطف بیان تابعی است که از متبوع خود مشهورتر است. معمولا عطف بیان را می توان بدل کل از کل نیز به شمار آورد. اگر متبوع عطف بیان نکره باشد آوردن آن با هدف تخصیص متوع صورت می گیرد مانند آیه مبارک بالا عطف بیان است. برای واژه اجرا که نکره است.

عطف بیان: مشهورتر از متبوع – جامد – اسم ظاهر – معمولا می توان بدل کل از کل به شمار آورد.

یکی از تفاوت های بدل و عطف بیان: در بدل مقصود اصلی " بدل " است. ولی در عطف بیان مقصود اصلی نیست و آوردن آن پس از متبوع تنها برای توضیح و تبیین مراد آن صورت گرفته است.

35. کدام گزینه بر تعلق حکم به معطوف علیه یا معطوف دلالت دارد؟

الف) أَمْ

ب) أَوْ

ج) بَلْ

د) حَتَّى

حرف او از نظر معنایی یا بر تعلق حکم به معطوف علیه یا معطوف دلالت دارد نه هر دوی آنها

36. کدام گزینه، در مورد موقعیتِ اعرابی جمله «جَنَّتِي» در عبارت «سُرُرْتُ إِذْ جَنَّتِي» صحیح است؟

الف) محلاً مرفوع

ب) محلاً منصوب

ج) محلاً مجرور

د) محلاً مجزوم

جمله اضافیه و محلاً مجرور است. چون پس از اذا و از و حیث و... بصورت جمله محلاً مجرور می باشد.

37. کدام گزینه، در مورد موقعیتِ اعرابی جمله «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» در آیات مبارک: (وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ) (یس/2-3) صحیح است؟

الف) فاقد محلّ إعرابی

ب) محلاً مرفوع

ج) محلاً منصوب

د) محلاً مجرور

جمله جواب قسم است و محلی از اعراب ندارد.

38. کدام گزینه، برخوردار از محلّ إعرابی است؟

الف) جمله ابتدائیّه

ب) جمله وصفیه

ج) جمله صله

د) جمله معترضه

بجز گزینه "ب" بقیه گزینه ها محلی از اعراب ندارند.

39. کدام گزینه، در مورد موقعیت إعرابی جمله «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» در عبارت : «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» صحیح است؟

الف) محلاً منصوب

ب) فاقد محلّ إعرابی

ج) محلاً مرفوع

د) محلاً مجرور

جمله مفعولیه است و محلاً منصوب.

40. کدام گزینه، در مورد موقعیت إعرابی جمله «فِي يَدِهِ كِتَابٌ» در عبارت : «جَاءَ أَخِي فِي يَدِهِ كِتَابٌ» صحیح است؟

الف) محلاً مجرور

ب) محلاً مجزوم

ج) محلاً منصوب

د) فاقد محلّ إعرابی

جمله حالیه است و محلاً منصوب.